

## بررسی انتقادی کتاب *الأدب العربي من العصر الجاهلی حتى سقوط الدولة الأمویة*

● علی قهرمانی

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی [d.ghahramani@yahoo.com](mailto:d.ghahramani@yahoo.com)

● مسعود باوان پوری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی [masoudbavanpouri@yahoo.com](mailto:masoudbavanpouri@yahoo.com)

### چکیده

کتاب‌های درسی به‌عنوان اولین رسانه و اثری که دانشجویان با آن سر و کار دارند، نقشی اساسی در آموزش و درک درست آنان از مفاهیم موردنظر دارد. این کتاب‌ها با وجود دقت فراوان نویسندگان خالی از اشکالات ساختاری و محتوایی نیستند. بررسی انتقادی این آثار نه تنها گامی در جهت تضعیف این کتب نیست، بلکه تلاشی در راستای زدودن عیوب احتمالی و رفع کاستی‌های آن‌ها در جهت بهره‌گیری بیشتر خوانندگان از این آثار است. کتاب *الأدب العربي من العصر الجاهلی حتى سقوط الدولة الأمویة* اثر علیرضا شیخی، توسط انتشارات دانشگاه پیام نور به‌عنوان کتاب درسی برای واحد تاریخ ادبیات دوره جاهلی در رشته زبان و ادبیات عربی تدوین شده است. پژوهش حاضر کوشیده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از متن کتاب، به بررسی نقاط ضعف و قوت آن از دو منظر ساختاری (شکلی) و محتوایی بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کتاب حاضر از لحاظ شکلی وضعیت مطلوبی دارد، اما نوع نوشتار عربی آن دارای ضعف‌هایی است و اشتباه تایپی فراوانی نیز در کتاب به چشم می‌خورد. کتاب علی‌رغم آن‌که از نظر محتوایی جامع است و با سرفصل‌های مصوب همخوانی دارد، اما رجاعات متوالی و عدم بهره‌گیری از منابع دست اول به‌ویژه دیوان‌های شاعران از نقاط ضعف اساسی این کتاب است.

**کلیدواژه:** کتاب درسی، بررسی انتقادی، ساختار، محتوا، *الأدب العربي من العصر الجاهلی حتى سقوط الدولة الأمویة*، علیرضا شیخی



■ شیخی، علیرضا (۱۳۹۰). *الأدب العربی من العصر الجاهلی حتى سقوط الدولة الأمویة*. تهران: دانشگاه پیام نور.

### مقدمه

در محافل و نشریات ادبی کشور نقد کتاب و مقاله رنگ و جلوه خاصی به خود گرفته است. بررسی فعالیت‌های علمی و مقالات پژوهشی و بیان مشکلات و کاستی‌های آن‌ها به نشاط و پویایی در عرصه علم کمک فراوانی می‌کند. نقد در لغت عبارت است از «سره از ناسره کردن، محاسن را از معایب جدا کردن، خوب را از بد تشخیص دادن» (معین، ۱۳۸۸: ذیل «نقد»)، اما در اصطلاح عبارت است از «تشخیص معایب و محاسن اثر ادبی و نیز هنر ارزیابی یا تحلیل آثار ادبی در پرتو دانش و ادب و نزاکت» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۷۹). نقد و بررسی کتاب‌های ادبی و تاریخ ادبیات «به جهت نقد یکی از مهم‌ترین شاخه‌های تمدن بشری از جایگاه والایی برخوردار است» (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۵۹). تاریخ ادبیات، چنان‌که از نامش پیداست، «در پی بیان تاریخ شعر و نثر و به‌طور کلی ادبیات و شرح احوال و تطور دوره‌ها و انواع ادبی و نگارش شرح احوال پدیدآورندگان آن است» (سیدی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). تاریخ ادبیات نه تنها از نقد ادبی جدا نیست، بلکه بخشی اساسی از آن نیز محسوب می‌شود؛ زیرا «هدف از تاریخ ادبیات نیز مانند نقد ادبی، پدیدآوردن پلی بین نویسنده و خواننده، شناساندن آثار مهم و ارزنده ادبیات یک ملت به عموم مردم و میسر ساختن کشف و درک زیبایی‌ها و بدعت‌های آثار ادبی است» (قویمی، ۱۳۸۴: ۷۹).

نگارش کتاب‌های درسی دانشگاهی به علت داشتن مخاطبان فراوان و اهداف خاص، همواره به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی آموزش درسی مورد توجه بوده است. در تعریف کتاب درسی دانشگاهی آمده است: «کتابی است که بر اساس سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات

و فناوری یا دانشگاه‌ها از سوی مؤلفان برای دروس مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا تهیه و تدوین می‌شود و در اختیار استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان منبع درسی قرار می‌گیرد» (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). لازمه ارتقای کیفی هر کتاب استفاده از روش‌هایی است که برای بهینه‌سازی و بهبود کیفی آن به کار می‌رود. مهم‌ترین این روش‌ها نقد و بررسی انتقادی کتاب است.

*الأدب العربي من العصر الجاهلی حتى سقوط الدولة الأمویة* به قلم علیرضا شیخی، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، به زبان عربی تألیف شده و توسط انتشارات دانشگاه پیام نور به زیور طبع آراسته گردیده و در اختیار دانشجویان و ادب‌پژوهان قرار گرفته‌است. ویراستار علمی این اثر مجید صالح‌بک، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی است. درسی یا کمک درسی بودن کتاب حاضر به‌صراحت در متن تأیید نمی‌شود، اما با توجه به پیشگفتار ناشر (شیخی، ۱۳۹۰: سه) که در آن آمده‌است: کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است و از آنجاکه علامت اختصاری کتاب فرادرسی (ف) و کمک درسی (ک) در کنار عنوان یا صفحه مشخصات یافت نشد، می‌توان حکم به درسی بودن این کتاب داد که البته وجود حرف اختصاری (آ) در پشت جلد و عطف کتاب، دال بر چاپ آزمایشی کتاب است. این کتاب همان‌طور که از عنوان آن مشخص است، به‌عنوان منبعی برای تاریخ و نقد معرفی شده‌است (نیز ر. ک: همان: صفحه مشخصات کتاب).

### پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه نقد کتب دانشگاهی و غیردانشگاهی مقالات ارزشمند و گرانسنگی به رشته تحریر درآمده و بخشی از آن نیز به نقد کتب تاریخ ادبیات عربی اختصاص یافته‌است که در ادامه به تعدادی از این آثار اشاره می‌شود: صادق عسکری پس از بررسی انتقادی کتاب *تاریخ الأدب العربي فی العصرین المملوکی و العثماني* به بیان نتایج آن پرداخته‌است: «نتایج به‌دست‌آمده از نقد و تحلیل اثر فوق‌الذکر نشان می‌دهد که کتاب حاضر به‌رغم برخی نکات قوت که بارزترین آن اختصار و تسهیل برای دانشجویان است، به‌عنوان کتابی دانشگاهی متأسفانه نواقص فراوانی در عرصه‌های شکل و محتوا دارد. مهم‌ترین نواقص شکلی این کتاب عبارت‌اند از: بندهای طولانی و چندسطری، آشفتگی و فقدان وحدت رویه در ثبت ارجاعات و معرفی شخصیت‌ها در پانویس، مهم‌ترین نواقص محتوایی آن نیز عبارت‌اند از: فقدان فصل‌بندی دقیق و عدم تسلسل منطقی مباحث در برخی فصل‌ها، انتخاب عناوین نامناسب برای برخی فصل‌ها و مباحث، فقدان تناسب بین محتوای کتاب و سرفصل درس مربوطه و درنهایت فقدان تجزیه و تحلیل و نقد و در نتیجه فقدان

نوآوری و تولید علم» (عسکری، ۱۳۹۳: ۶۹). فرهاد رجبی در بررسی انتقادی کتاب *الجامع فی تاریخ الأدب العربی الحدیث اثر حنا الفاخوری* آورده است: «الجامع فی تاریخ الأدب العربی الحدیث از حلقه‌های اخیر تاریخ ادبیات‌نگاری عربی است که مؤلف آن، حنا الفاخوری کوشیده با جامعیت و بهره‌گیری از اصول جدید، تاریخ قابل‌عرضه کند؛ البته توفیقاتی یافته، اما آسیب‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد که مجموع آسیب‌های موجود، این کتاب را تاحدودی از معیارهای علمی تاریخ ادبیات‌نگاری دور نموده، به ساختار سنتی این فن نزدیکش می‌کند» (رجبی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). با بررسی و جست‌وجو در مجلات و سایت‌های مختلف، مقاله یا اثری که به بررسی انتقادی کتاب حاضر پرداخته باشد، مشاهده نشد که این امر جنبه نوآوری پژوهش حاضر را محقق می‌سازد.

جستار حاضر در جهت پاسخ به سؤالات زیر شکل گرفته است:

۱. کتاب حاضر دارای چه امتیازاتی در بعد ساختاری و محتوایی است؟
۲. این کتاب در بعد محتوایی دارای چه نقاط مثبت و منفی‌ای است؟
۳. این کتاب تا چه میزان به سطح یک کتاب آموزشی نزدیک شده است؟

## بررسی ساختاری و ظاهری

### – امتیازها

جلد یک کتاب‌های درسی در برانگیختن ذوق مخاطبان تأثیر مستقیم دارد: «نخستین برخورد خواننده با یک کتاب، دیدن جلد آن است. کیفیت، نوع و جنس جلد کتاب‌های درسی دانشگاهی و خوش‌طرح و خوش‌رنگ بودن جلد آن‌ها - در صورتی که با سادگی طرح همراه باشد - زمینه‌ساز همسویی عاطفی دانشجویان با کتاب و محتوای آن خواهد شد. طراحی جلد کتاب شامل طرح روی جلد، پشت جلد و عطف کتاب است» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۸). جلد کتاب حاضر به رنگ سبز پسته‌ای آمیخته با آبی و سبز تیره است که جذابیت ظاهری خاصی به آن بخشیده است. وجود یک نقشه از مهم‌ترین دولت‌های کهن در خاورمیانه و نیز اشاره به سرزمین عرب در آن به زیبایی و ظرافت کتاب افزوده است.

قطع کتاب حاضر وزیری است که مناسب است. همچنین «کیفیت صحافی و نوع کاغذ در کتاب‌های درسی مهم است» (همان: ۲۸)؛ زیرا کتاب درسی وسیله کار دانشجو است. صحافی کتاب حاضر به خوبی انجام گرفته، به طوری که شیرازه محکم آن، ورق زدن را برای دانشجو آسان ساخته است. کاغذ کتاب نیز از نوع مرغوب است و علی‌رغم این امر، قیمت کتاب در حد معمول است.

صفحه‌آرایی یک کتاب از دیگر ملاک‌های ارزیابی ظاهری است؛ زیرا «صفحه‌آرایی کتاب شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیک با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر

فصل - که همچون اتاقی است - چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است» (انوری و پشتدار، ۱۳۷۷: ۸۲). صفحه آرایی کتاب مورد بررسی، به زیبایی و خوبی صورت گرفته است؛ وجود تورفتگی نیم سانتی متری در ابتدای پاراگراف‌های دوم به بعد از زیبایی‌های کتاب است، همچنین اشعار نیز به خوبی در جدول تنظیم شده و بهم خوردگی در آن‌ها دیده نمی‌شود که این امور، ظاهری زیبا به کتاب بخشیده است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۳۷

### - کاستی‌ها

نام کتاب روی جلد آن به غلط نوشته شده است و وجود چهار اشتباه تایپی در عنوان روی جلد، ذوق هنری خواننده را بر هم می‌زند: *الأدب العربي من العصر الجاهلی حتى سقوط الدولة الامویة*. علاوه بر این، با توجه به عربی بودن زبان کتاب، شایسته می‌نمود نام نویسنده نیز به صورت عربی (الدكتور) نگاشته می‌شد. هر چند بیان رتبه علمی نویسنده بر روی جلد کتاب مرسوم است، اما چندان مورد قبول اهل فن نیست: «برخلاف آن‌چه در عرف علمی چاپ کتاب مرسوم است، نام نویسنده همراه با رتبه علمی آن‌ها (دکتری) آمده که متأسفانه بیشتر ناشران همین روش را به کار می‌برند. در حالی که شایسته است، تمامی نام‌ها بدون پیشوندهای تعیین کننده رتبه بیاید و اگر لقب یا رتبه علمی اشخاص اهمیت دارد، در پانویس ذکر شود» (سیف، ۱۳۸۲: ۴۱).

در گوشه سمت چپ بالای کتاب آرم و نام دانشگاه پیام نور درج شده است. طرح پشت جلد نیز تفاوتی با روی جلد ندارد و تنها کد دانشگاه پیام نور، گروه زبان و ادبیات عربی و شابک کتاب ذکر شده است، در حالی که شایسته بود، طبق روال علمی و آکادمیک، مقدمه‌ای کوتاه به زبان عربی نگاشته شده، عنوان کتاب و نویسنده نیز به زبان انگلیسی در پشت جلد ذکر شود.

حجم یک کتاب درسی «نباید چندان غیرمتعارف باشد. می‌توان گفت برای هر واحد درسی میانگین، حدود یک صد صفحه مناسب است» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۸). «مؤلفان باید محتوای کتاب درسی را با توجه به تعداد واحد درسی یا زمان تخصیص یافته و سایر شرایط واقعی و حقیقی موجود در نظام آموزش عالی کشور، انتخاب و سازمان‌دهی نمایند» (نوروززاده و رضایی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). با توجه به این که درس تاریخ ادبیات دوره جاهلی در رشته زبان و ادبیات عربی به ارزش ۲ واحد تحصیلی ارائه شده است، حجم کتاب حاضر (۴۰۰ صفحه) بیشتر از حد معمول به نظر می‌رسد.

«کیفیت حروف‌نگاری (تایپ) نیز از عوامل جذابیت کتاب است؛ برای مثال استفاده از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع، اندازه و رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات، علاوه بر آن که دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند،

موجب چشم‌نوازی صفحات کتاب می‌شود» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۸). عدم توجه به برجسته کردن عناوین اصلی و فرعی در متن با توجه به نکات کلیدی در کل اثر یکی از معایب بزرگ کتاب حاضر برشمرده می‌شود. قلم انتخاب‌شده برای متن کتاب حاضر مناسب به نظر می‌رسد، اما متأسفانه ساختار نوشتار عربی یعنی چسبیدن «واو» به مابعد و فاصله داشتن از ماقبل در روند کلی کتاب رعایت نشده است که نیاز به بازنگری کتاب را حتمی می‌سازد. همچنین در سراسر متن اشتباهاتی در تایپ مشاهده می‌شود که شامل به هم چسبیدگی کلمات، عدم نقطه‌گذاری «ی»، غلط‌های تایپی و... است که بدین منظور، ۱۰۰ صفحه از کتاب به صورت تصادفی انتخاب شد تا میزان اشتباهات در کل اثر مشخص شود.

### جدول مربوط به ۱۰۰ صفحه انتخابی اشتباهات تایپی

شماره صفحات	تعداد خطا
مقدمه	۴۹
۱۰-۲۰	۱۲
۴۰-۵۰	۲۰
۹۵-۱۰۵	۱۸
۱۳۵-۱۴۵	۸
۱۷۲-۱۸۲	۸
۲۵۰-۲۶۰	۱۲
۲۸۵-۲۹۵	۱۴
۳۲۹-۳۳۹	۸
۳۵۵-۳۶۵	۶

### فهرست فصل‌ها و معرفی آن‌ها

کتاب حاضر شامل ۱۸ فصل، بخش معانی کلمات و بخش مراجع و منابع است؛ فصل اول کتاب در ۳۰ صفحه به تعریفی از شبه جزیره عربستان، طبقات مختلف اعراب، زندگی سیاسی و اجتماعی و نیز دین مردمان شبه جزیره می‌پردازد. فصل دوم شامل ۲۸ صفحه درباره زبان عربی و سایر علوم و معارف آن است. در ادامه همین فصل به ادب جاهلی و مکان شاعر، روایت شعر، قضیه انتقال، انواع شعر و بارزترین اغراض و ویژگی‌های شعر جاهلی اشاره شده است. فصل سوم کتاب در ۵۹ صفحه به شرح زندگی اصحاب معلقات دهگانه و بخش‌هایی کوتاه از معلقه هریک اختصاص یافته است. در فصل چهارم که ۱۷ صفحه است، نویسنده ضمن معرفی چهار نفر از مشهورترین شاعران صعلوک، درباره آن‌ها و ویژگی‌های شعری‌شان سخن گفته است. فصل پنجم کتاب در قالب ۱۱ صفحه به معرفی شاعران شجاع (سوارکار) پرداخته است. فصل ششم کتاب که شامل ۱۰ صفحه

است، به معرفی برخی شاعران مثل حاتم طائی، اوس بن حجر و ... اختصاص یافته که در تقسیم‌بندی‌های قبلی نمی‌گنجید. در فصل هفتم که ۱۹ صفحه را شامل می‌شود، مباحثی درمورد نثر جاهلی و تقسیم آن به عهدنامه، امثال و حکم، خطابه و ... مطرح شده‌است.

در فصل هشتم که با ۴۹ صفحه دومین فصل پر حجم کتاب است، رویکرد کتاب به بحث پیرامون شعر و نثر در صدر اسلام تغییر یافته و از ظهور اسلام و تأثیر آن بر جامعه و ادبیات سخن گفته و به معرفی برخی شاعران معروف این دوره مثل حسان، کعب بن زهیر و ... پرداخته‌است. فصل نهم کتاب در قالب ۱۶ صفحه درباره خطابه و نثر در صدر اسلام است که تکیه اصلی بحث بر خطابه‌های پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) است و در کنار آن‌ها از سحبان وائل و ... سخن گفته شده‌است.

فصل دهم کتاب در قالب ۱۷ صفحه درمورد زندگی سیاسی، دینی، اجتماعی و فرهنگی و نیز ویژگی‌های اسلوب نثر اموی است. فصل یازدهم در ۲۱ صفحه به شاعران نقایض یعنی اخلط، جریر و فرزدق پرداخته‌است. در فصل دوازدهم که شامل ۱۵ صفحه است، از شاعران شیعه این عصر یعنی کثیر عزة، کمیت و سیدحمیری سخن گفته شده‌است. فصل سیزدهم کتاب در قالب ۱۲ صفحه به سخن درباره شاعران خوارج و مشهورترین شاعران آنان یعنی عمران بن حطان و ... پرداخته‌است. فصل چهاردهم با ۱۲ صفحه به شاعران زبیری اختصاص یافته‌است. فصل پانزدهم که ۶ صفحه دارد و کم‌حجم‌ترین فصل کتاب است، به شاعران شعوبیه پرداخته که فقط از اسماعیل بن یسار سخن گفته‌است. فصل شانزدهم کتاب با ۳۴ صفحه به تقسیم‌بندی غزل به دو دسته عذری و حضری پرداخته و از مشهورترین شاعران هر یک سخن به میان آورده‌است. فصل هفدهم نیز در قالب ۱۰ صفحه به دیگر شاعران مثل ذوالرمة، مسکین الدارمی و ... پرداخته‌است. آخرین فصل کتاب با ۱۳ صفحه، ضمن معرفی عبدالحمید کاتب، از خطابه و کتابت و انواع آن سخن می‌گوید. معانی کلمات دشوار متن و مراجع و منابع در آخر کتاب تعبیه شده‌است.

### گزارشی اجمالی از مقدمه کتاب

بدون شک یکی از مهم‌ترین قسمت‌های هر پژوهش دانشگاهی مقدمه است. مقدمه وظیفه آماده‌سازی مخاطبان برای ورود به متن اصلی را بر عهده دارد (رحیمی خویگانی و خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۶۱). کتاب با مقدمه‌ای مفصل درمورد ادبیات و سیر تحول آن در دوره جاهلی، اسلامی و اموی آغاز شده‌است. سپس درمورد اولین کسانی که تاریخ ادبیات را به شکل نوین طرح‌ریزی کرده‌اند، سخن می‌گوید. نویسندگان در ادامه به تقسیم‌بندی پنج‌گانه دوره‌های ادب عربی

پرداخته‌است. همچنین به ساکنان شبه‌جزیره عربستان اشاره داشته و از علل برتری لهجه قریش بر سایر لهجه‌ها و روش انتقال شفاهی اشعار، آداب و رسوم و طبقات اجتماعی مردم سخن گفته و اشاره‌ای نیز به تأثیر قرآن کریم بر جامعه و ادبیات داشته‌است.

### معایب مقدمه

این مقدمه مفصل ایراداتی دارد که بارزترین آن‌ها عدم ارجاع‌دهی مناسب برخی نقل قول‌هاست؛ مانند: احادیث پیامبر «ادبیتی ربّی فأحسن تأدیبی» در صفحه الثالث العشر (که خود این نوع شماره‌گذاری نیز اشتباه است و الثالث عشر صحیح است) و «إمّا الشعر کلام، فمن الکلام خبیث و طیّب» در صفحه الثانی و العشرون که منبع آن‌ها را مشخص نساخته‌است. همچنین در تقسیم‌بندی دوره‌های ادب عربی به پنج دوره (ص الرابع العشر) به منبع خاصی ارجاع نداده‌است. همین امر در مورد مبحث انتحال (ص الثامن العشر) نیز صادق است. در برخی صفحات مقدمه خیلی بهتر می‌شد اگر به منبع اصلی ارجاع می‌داد که به‌آسانی در دسترس قرار دارد؛ مانند: «بقول محمدبن سلام الجمحی ..... و کما قال ابن خلدون (ص التاسع العشر)، امّا نویسنده به کتاب هداره و الأُسْد ارجاع داده‌است. همچنین بخش مقدمه دارای غلط‌های تایپی است که قبلاً به آن‌ها اشاره شده‌است.

### بخش محتوایی کتاب

#### – امتیازها

کتاب حاضر در بخش محتوایی دارای امتیازهای قابل توجهی است که در زیر به بیان هر یک پرداخته شده‌است:

#### ۱. ذکر اهداف مطلوب هر درس

یکی از محاسن کتاب درسی بیان اهداف مطلوبی است که نویسنده انتظار دارد، خواننده در پایان هر فصل به آن‌ها دست یابد. بدین منظور به طراحی برخی اهداف کلی و جزئی می‌پردازد تا ذهن خواننده را با برخی اصطلاحات آشنا سازد. نویسنده در این کتاب به معرفی برخی اهداف موردنظر خویش برای آشنایی بیشتر خواننده با مبحث پرداخته و درواقع پیش‌زمینه را برای ورود به بحث ایجاد کرده و ذهن مخاطب را برای فراگیری مطالب مهم و توجه به آن‌ها آماده ساخته‌است؛ مانند: ص ۳، ۳۳، ۵۰، ۷۲ و ...

#### ۲. ذکر جدول و نمودار

جدول و نمودار یکی از داده‌های اطلاعاتی است که در حجمی کم، اطلاعاتی مهم و



فراگیر را به خواننده منتقل می‌سازد. وجود جدول و نمودار یکی دیگر از امتیازهای کتاب حاضر است؛ زیرا با ارائه جدول و نمودار توانسته است، اطلاعاتی فراوان را در حجمی اندک ارائه کند که این مهم در صفحات متعدد کتاب محقق شده است؛ مانند: ص ۶، ۳۶، ۱۶۲، ۱۸۴ و ...

### ۳. طرح سؤال‌های جدید و افق‌های تازه

طرح پرسش در کتاب درسی «می‌تواند به برانگیختن فکر خواننده کمک کرده و باعث تأمل بیشتر درباره مطالب گردد. طرح پرسش در کتاب درسی به خواننده کمک می‌کند تا به نکته‌های مهم متن بیشتر توجه نماید و از سوی دیگر، موجب تقویت یادگیری شده و به فهم بیشتر و بهتر متن کمک کند» (آرمند، ۱۳۸۴: ۴۸). نویسنده محترم در کتاب حاضر به طرح سؤال به دو صورت تشریحی و تستی پرداخته است که موجب تقویت یادگیری و خلاقیت دانشجویان شده و آن‌ها را در درک بهتر نکات اصلی و کلیدی متن کتاب یاری رسانده است؛ مانند: ص ۹۰، ۲۵۰، ۲۷۵، ۳۲۳ و ...

### ۴. مقبول بودن از نظر سطح زبانی

از مهم‌ترین مواردی که در نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی مورد توجه قرار می‌گیرد، ارزیابی میزان رعایت زبان علمی در آن‌هاست. زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که بر سر کلمات و تعبیرات درنگ کنیم، به مدلول رهنمون می‌شود (سمیعی، ۱۳۷۸: ۴۴). متن کتاب درسی باید از جهت رسا بودن زبان متن سنجیده شود؛ رسایی متن دانشگاهی به معنای آن است که محتوای کتاب در عین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص در زمینه مربوط تهیه و تدوین شود (کاردان، ۱۳۸۲: ۱۹). «زبان علمی و سنخیت سطح نگارش با موضوع مورد بررسی، دو مقوله است که در نگارش‌های انتقادی باید مورد توجه ناقد قرار گیرد» (درودی، ۱۳۸۷: ۱۷۹). «در کتاب‌های درسی باید از جملات و پاراگراف‌های کوتاه برای انتقال مفاهیم استفاده کرد؛ زیرا جملات بلند، درک مطلب را برای یادگیرنده مشکل می‌کند» (نصر و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹). متن کتاب حاضر از این حیث در سطح قابل‌قبولی قرار دارد؛ در متن از جملات دشوار استفاده نشده است و جملات معترضه به‌ندرت در آن به چشم می‌خورد. تعابیر موجود در کتاب مستقیماً بر یک مدلول دلالت می‌کند و پیچیدگی و ابهام در متن اثر کمتر از حد عادی مشاهده می‌شود.

### ۵. داشتن نظم و انسجام منطقی

«داشتن انسجام در مطالب از نظر جریان روش بررسی مشخص و اندیشه مشخص در کل اثر از ویژگی‌های یک کتاب است» (رسولی، ۱۳۹۳: ۴۶). در این کتاب ارتباط و انسجام منطقی بین مطالب و پاراگراف‌ها به خوبی رعایت شده و نویسنده محترم در این امر توفیق داشته است. در این کتاب هر فصل به چند شاعر یا ادیب و بررسی و تحلیل زندگی‌نامه و خصوصیات شعر یا نثر آن‌ها به صورتی موجز پرداخته است که تناقض چندانی بین آن‌ها مشاهده نشد.

### ۶. جامعیت

«کتاب درسی در زمینه موضوع مورد نظر خود باید جامع باشد؛ بدین معنا که باید باتوجه به اهداف کلی و اهداف ویژه و سرفصل‌های هر درس سنجیده شود» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۲). کتاب حاضر از این حیث توانسته است، موارد قیدشده در سرفصل مصوب وزارت علوم در سال ۱۳۸۹ را به خوبی مورد پوشش قرار دهد.

### ۷. معرفی مشهورترین شاعران و خطیبان این عصر

نویسنده محترم با تأمل و دقت نظر بالا توانسته است، مشهورترین شاعران و خطیبان این عصر را در کتاب خویش جمع‌آوری کرده و به معرفی کوتاه هریک پردازد و بدین‌گونه زمینه آشنایی دانشجویان را با این افراد فراهم سازد.

### ۸. رعایت احترام و بی‌طرفی نسبت به عقاید دیگران

«بایسته است که هر اثر پژوهشی از آفت و آسیب غرض‌ورزی به دور باشد و به طبع، زمانی که نویسنده دست به تحلیل می‌برد، نظرات خود را ارائه خواهد کرد؛ هرچند تفکیک این دو مقوله آسان به نظر می‌رسد، ولی گاهی امر مشتبه می‌شود» (عطائی، ۱۳۹۷: ۱۸۴). نویسنده محترم در این اثر نگاهی مغرضانه یا از روی تعصب نسبت به هیچ‌یک از شاعران یا ادیبان نداشته و تنها به ذکر نمونه‌هایی از شعر یا نثر آن‌ها اکتفا کرده است، بدون این‌که سعی در برتری دادن هریک از آن‌ها بر دیگری یا سایر شاعران داشته باشد.

### ۹. اعراب‌گذاری و ترجمه ابیات

این قسمت یکی از مهم‌ترین مزایای کتاب حاضر نسبت به نمونه‌های مشابه آن است؛ زیرا نویسنده محترم چون کتاب را به قصد آموزش دوره کارشناسی نگاشته است، ابیات را اعراب‌گذاری نموده تا دانشجو در تشخیص آن‌ها دچار اشتباه نشود و نیز در پاورقی هر صفحه به ترجمه آن‌ها پرداخته است.

### ۱۰. شرح واژگان دشوار در پایان کتاب

بی‌شک در هر اثری، خواننده با برخی کلمات و اصطلاحات دشوار روبرو خواهد شد که برای درک بهتر آن‌ها نیازمند مراجعه‌ی پی‌درپی به فرهنگ لغت است. اثر حاضر از این حیث نیز موفق عمل کرده و با توجه به این که مخاطبان عمده این اثر دانشجویان کارشناسی هستند، در پایان کتاب صفحاتی به ترجمه واژگان دشوار متن اختصاص یافته است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۴۳

### ۱۱. استفاده از منابع و مراجع مهم و مرتبط

یکی از محاسن هر اثر علمی، بهره‌گیری از منابع و مراجع مستند و معتبر علمی توسط نویسنده (گان) است تا بدین وسیله اثر خویش را کیفیتی دوچندان بخشیده و آن را مقبول عام قرار دهد. نویسنده محترم تقریباً از تمامی کتاب‌های مربوط به این عصر بهره برده و با کنار هم قرار دادن آن‌ها متنی یکدست را خلق کرده است. وجود دیوان‌های شعری در منابع نیز بر ارزش علمی این اثر افزوده است.

### – کاستی‌ها

با وجود توانمندی‌های تخصصی مؤلف محترم در حوزه روش تحقیق و نیز اندیشه‌ورزی‌ها و تلاش‌های ایشان در این تألیف و نظارت ناقدانه ارزیابان انتشارات دانشگاه پیام نور و ویراستار محترم، این کتاب هنوز دارای اشکال‌های متعددی است که شایسته یک متن علمی با این جایگاه نویسندگان و ناشر و هدف و رسالت و اقبال جامعه علمی نیست. به همین جهت، هدف از این نوشتار بررسی انتقادی تألیف یادشده است تا با سهیم شدن در ارتقای آن، خدمتی به حوزه علمی انجام داده باشد.

### ۱. عدم نگارش پیشگفتار

شایسته است، در متن یک کتاب درسی «پیشگفتار بر محور مسائل جانبی اثر باشد؛ مثل نحوه شرایط تهیه اثر یا تجدید چاپ آن، تشکر از دست‌اندرکاران نشر و چاپ و یا به منظور تجدیدنظر قرار دادن اثر. درحالی که مقدمه معمولاً طرح اولیه کتاب را به صورت خلاصه بیان می‌کند و مؤلف هدف نگارش کتاب را به خواننده عرضه می‌دارد. درواقع، در مقدمه مطالبی معرفی می‌شود که در کتاب به تفصیل می‌آید» (بهرام‌بیگی، ۱۳۸۵: ۲۷). اثر موردبررسی دارای مقدمه‌ای مناسب و مفصل است، اما متأسفانه به پیشگفتار و سخن نویسنده توجهی نشده است.

### ۲. نداشتن پیشینه پژوهش

«از نقاط قوت هر کار پژوهشی داشتن پیشینه پژوهش است، به طوری که فقدان

این مهم یکی از عیوب هر اثر علمی است» (نامداری، ۱۳۹۶: ۲۲۷)؛ کتاب حاضر علی‌رغم داشتن پیشینه قوی و فراوان در این زمینه، متأسفانه هیچ اشاره‌ای به مزایا و کاستی‌های آن آثار نداشته‌است تا بدین وسیله دلیل تهیه کتاب حاضر را برای خواننده شرح دهد.

### ۳. نبودن اثر قلم نویسنده

در بسیاری از بخش‌های کتاب متأسفانه هیچ اثری از قلم نویسنده دیده نمی‌شود و تنها ارجاعات متوالی و طولانی، سراسر یک بخش را پر کرده‌است؛ مانند: الحیة السیاسیة که تا آخر تنها یک ارجاع داده شده‌است (شیخی، ۱۳۹۰: ۱۷) و الحیة الإقتصادیة که دو ارجاع متوالی سبب پر شدن دو صفحه گردیده‌است (همان: ۱۹).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۴۴

### ۴. عدم ارجاع‌دهی به منابع اصلی و دست اول

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان آثار علمی پس از انتخاب موضوع خود انجام می‌دهند، جستجو در منابع و مراجع مختلف جهت جمع‌آوری معلومات لازم پیرامون موضوع است (دلور، ۱۳۸۵: ۳۷ و ۳۸). متأسفانه در بخش‌هایی از کتاب که باید به منبع اصلی ارجاع داده شود، توجهی به این امر نشده که با وجود چاپی بودن آن دسته از آثار و دسترسی آسان به آن‌ها چندان مقبول و پسندیده نیست؛ این مسئله به‌ویژه در شواهد شعری شاعران نمود بیشتری دارد که به ذکر برخی از آن‌ها به‌عنوان شاهد پرداخته شده‌است: شعری از طرفه و ارجاع آن به ضیف و فاخوری (شیخی، ۱۳۹۰: ۳۶)، شعری از امرؤالقیس و ارجاع آن به شرح معلقات (همان: ۵۳)، شعر زهیر و ارجاع آن به شرح المعلقات العشر از قمیحة (همان: ۷۳)، شعری از معلقه اعشی و ارجاع آن به زوزنی و تبریزی (همان: ۱۰۷) و ...

### ۵. عدم رعایت تناسب بین توضیحات نویسنده

شایسته است که یک نویسنده به تناسب ظاهری بین حجم فصل‌ها و بخش‌هایی که در اثر خویش مطرح می‌سازد، توجه داشته باشد. نویسنده محترم در برخی بخش‌های کتاب حاضر به معرفی شاعر یا ادیب و ارائه شواهدی شعری از وی و خصوصیات سبکی شاعر در قالب چندین صفحه پرداخته‌است؛ مانند «مرؤالقیس» (ص ۶۶-۶۱) (۵ صفحه) و «عمرابن کلثوم» (ص ۸۶-۸۱) (۶ صفحه) که در حالی که برخی بخش‌ها تنها به چند سطر کوتاه اکتفا کرده‌است؛ مانند «المنخل الیشکری» (ص ۱۵۴، ۴ سطر)، «النمر» (ص ۲۲۲، سه سطر). نیز فصل‌های مختلف کتاب از نظر حجم تناسب چندانی ندارند که این امر به‌صورت مفصل در قسمت معرفی اجمالی اثر تبیین شده‌است.

## ۶. نبودن نوآوری در اثر و نداشتن برتری نسبت به کتاب‌های مشابه

«بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که گویاترین شاخص برای سنجش میزان نوآوری و تولید علم در هر اثر علمی، مقدمه و خاتمه آن اثر می‌باشد؛ زیرا نویسندگان غالباً در مقدمه، پرسش‌های اصلی را که در ذهن خود داشته و در منابع و مراجع به دنبال پاسخ آن می‌گردند، مطرح می‌کنند و پس از تجزیه و تحلیل و نقد معلومات به‌دست‌آمده، سرانجام در خاتمه کتاب به نتایج به‌دست‌آمده اشاره می‌نمایند که غالباً پاسخ همان سؤال اصلی است که در مقدمه مطرح شده بود (خاکی، ۱۳۸۶: ۵؛ دلاور، ۱۳۸۵: ۳۳۰). تاریخ ادبیات‌نویسی یکی از زمینه‌های مورد‌علاقه نویسندگان مختلف بوده‌است؛ در ادبیات عرب نیز این امر به وفور مشاهده می‌شود، اما سؤال اساسی در مورد کتاب حاضر این است که این اثر واقعاً چه میزان بر آثار مشابه برتری داشته است؟ مطالعه متن کتاب نشان می‌دهد که متأسفانه این اثر هیچ وجه تمایز و برتری بر کتب مشابه ندارد؛ زیرا این کتاب در واقع خلاصه‌ای از آن آثار است که در کنار هم چیده شده‌است و هیچ‌گونه نوآوری در آن مشاهده نمی‌شود. شایسته است، نویسندگان در کنار ذکر نام این اسامی، به معرفی برخی ویژگی‌های شعری آن‌ها نیز اشاره کنند تا زمینه را برای تحقیق بیشتر دانشجو در زمینه شاعران کمتر شناخته‌شده فراهم نماید.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۴۵

## ۷. فقدان معیار جهت انتخاب و بررسی متون ادبی

«از بزرگ‌ترین محدودیت‌ها در حوزه تاریخ ادبیات‌نگاری زبان عربی، نامشخص بودن حدود و ثغور مورخ ادبی در تألیف کتب تاریخی است؛ این محدودیت، به‌خاطر فقدان شیوه‌ای مدرن، گستردگی هرزی را شکل می‌بخشد، به همین علت، کتب تاریخ ادبیات، گاهی در حد زندگی‌نامه و ذکر فعالیت‌های ادبی، بروز می‌کنند و گاه به‌شدت در حوزه نقد می‌غلطند و گاهی نیز با گرایش به سلاقی و دیدگاه‌های شخصی، حق مطلب را ادا نمی‌کنند» (رجبی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). کتاب مورد‌بررسی جستار حاضر، با توجه به این که یک کتاب درسی محسوب می‌شود، انتظار می‌رود گامی فراتر از ذکر زندگی‌نامه و فعالیت‌های ادبی شاعران بنهد، اما متأسفانه چندان در این امر موفق نبوده‌است و اثر چندانی از قلم نویسندگان و نیز نقد شاعران و آثار آن‌ها دیده نمی‌شود. البته شاید تألیف این کتاب جهت مقطع کارشناسی و نیز همسویی با سرفصل‌های درسی از یک‌سو و توجه به حجم کتاب از دیگر سو، دست نویسندگان محترم را در نقد آثار بسته باشد.

## ۸. نداشتن خاتمه، نتیجه پایانی و نمایه

«از بخش‌های مهم پژوهش‌های علمی، نتیجه‌گیری است. پژوهشگر در قسمت نتیجه‌گیری، مهم‌ترین دستاوردهای به‌دست‌آمده از پژوهش را می‌آورد و نتیجه

گزینه‌های مطرح شده در سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق را ذکر می‌کند؛ همچنین ممکن است با اتکاء بر آنچه در روند تحقیق به آن دست یافته، اقدام به رد برخی آراء و مسائل موجود کند یا مخاطب را دربارهٔ صحت و سقم آن به تردید اندازد، یا این‌که خود نظریهٔ بومی یا تقسیم‌بندی‌های جدیدی ارائه دهد» (سیفی و حسن‌پور، ۱۳۹۷: ۹۹). یک کتاب علمی و آموزشی شایسته است که در پایان هر فصل یا در پایان کتاب، دارای نتیجه و خاتمه باشد که متأسفانه در کتاب موردبررسی این امر رعایت نشده است. نیز شایسته است که یک کتاب علمی وزین، دارای نمایه اشخاص و مکان‌ها و ... در پایان کتاب باشد، که کتاب حاضر فاقد این بخش است.

## نتیجه‌گیری

نگارش کتاب‌های درسی دانشگاهی به علت داشتن مخاطبان فراوان و اهداف خاص، همواره به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی آموزش مورد توجه بوده است. بررسی انتقادی چنین کتاب‌هایی نه تنها با هدف بیان کاستی‌ها نیست، بلکه هدف اصلی ناقدان در چنین پژوهش‌هایی سهیم شدن در ارتقای آن اثر و خدمت به حوزهٔ علمی موردنظر است. نتایج بررسی انتقادی کتاب مزبور نشانگر آن است که این اثر در بعد ساختاری دارای امتیازهایی مانند: زیبایی جلد کتاب، قطع مناسب کتاب، صحافی خوب، کاغذ مرغوب و صفحه‌آرایی حرفه‌ای است، اما از دیگر سو دارای معایبی مانند: طرح پشت جلد ضعیف، حجم فراوان و غلط‌های تایپی است.

در بعد محتوایی نیز کتاب حاضر دارای نقاط مثبت فراوانی است: ۱. اهداف مطلوب هر درس در ابتدای آن ذکر شده است. ۲. وجود جدول و نمودار به ارتقای سطح آموزشی کتاب کمک فراوانی کرده است. ۳. وجود سؤالات به دو صورت تشریحی و تستی در پایان هر درس سبب شده تا در ذهن خواننده افق‌های تازه‌ای گشوده شود. ۴. کتاب جامعیت لازم را از حیث انطباق با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم داراست. ۵. نظم و انسجام منطقی در متن رعایت شده و اعراب‌گذاری و ترجمهٔ ابیات نیز بر سطح علمی کتاب افزوده است.

اما هر کتابی علی‌رغم داشتن امتیازها، دارای نقاط ضعفی است که برطرف ساختن آن‌ها سبب ارتقای سطح کیفی کتاب خواهد شد. نقاط ضعف این کتاب را می‌توان به این صورت برشمرد: ۱. علی‌رغم داشتن پیشینهٔ قوی و کامل در زمینهٔ تاریخ ادبیات در ادب عربی، متأسفانه به بیان مزایا و معایب کارهای مشابه در کتاب حاضر پرداخته نشده است. ۲. در بسیاری از بخش‌ها کمتر شاهد حضور قلم نویسنده در اثر هستیم. ۳. متأسفانه علی‌رغم وجود منابع دست‌اول و اصلی و در دسترس بودن آن‌ها، نویسنده به کتاب‌های دست‌دوم مانند کتاب‌های تاریخی،

برای ارجاع‌دهی و استناد به شعر شاعران اکتفا کرده‌است. ۴. گاهی درمورد برخی شاعران کلام زیادی گفته شده و درمورد برخی دیگر تنها به چند سطر اکتفا شده‌است؛ به عبارت دیگر تناسب بین حجم اطلاعات رعایت نشده‌است. ۵. کتاب علی‌رغم داشتن اسامی اشخاص، مکان‌ها و آثار علمی، نمایه ندارد که این امر از معایب اصلی کتاب محسوب می‌شود. ۶. شایسته است در پایان هر فصل یا در پایان کتاب، بخش نتیجه و خاتمه نیز به آن افزوده شود.

کتاب حاضر پس از رفع اشکال‌ها و نواقص مطرح شده، قابلیت تبدیل به یک کتاب آموزشی را داراست.

فصلنامه نقدکتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۴۷

### منابع

- آرمند، محمد (۱۳۸۴). «ملاحظات در نگارش متون درسی». سخن سمت. شماره ۱۴. ص.ص ۴۵-۵۵
- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۷۷). آیین نگارش و ویرایش (۲). تهران: دانشگاه پیام نور.
- بهرام‌بیگی، مهری (۱۳۸۵). «درآمدی بر نقد». سخن سمت. سال ۱۲. شماره ۱۷. ص.ص ۲۱-۳۲
- جمشیدی، لیلیا (۱۳۹۶). «بررسی و نقد کتاب أمراء الشعر العربی فی العصر العباسی». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۱۷. شماره ۱. ص.ص ۵۹-۸۲
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۶). روش تحقیق: با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی. (چ ۳). تهران: بازتاب.
- درودی، فریبرز (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر در نقد و بررسی کتاب». فصلنامه کتاب. شماره ۷۵. ص.ص ۱۸۴-۱۷۳
- دلاور، علی (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- رجبی، فرهاد (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی الجامع فی تاریخ الأدب العربی الحدیث». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۱۷. شماره ۱. ص.ص ۱۰۱-۱۲۲
- رحیمی خویگانی، محد و محمد خاقانی اصفهانی (۱۳۹۷). «تحلیل انتقادی کتاب فلسفة البلاغة بین التقنیة والتطور». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۱۸. شماره ۴. ص.ص ۵۹-۷۲
- رسولی، حجت (۱۳۹۳). «نقد و بررسی الأدب المقارن، دراسات تطبیقیة فی الأدبین العربی و الفارسی». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۱۴. شماره ۴. ص.ص ۳۳-۴۸
- رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات. تهران: فرهنگ معاصر.

رضی، احمد (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی. سخن سمت. شماره ۲۱. ص.ص ۳۰-۲۱.

سمیعی، احمد (۱۳۷۸). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.

سیدی، سیدحسین (۱۳۸۹). «تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری». مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۴. ص.ص ۱۱۸-۱۰۳.

سیفی، محسن و مهوش حسن‌پور (۱۳۹۷). «نقدی بر کتاب مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۱۸. شماره ۴. ص.ص ۹۵-۱۰۹.

عسکری، صادق (۱۳۹۳). «نقدی بر تاریخ الأدب العربی فی العصرین المملوکی و العثماني». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۱۴. شماره ۴. ص.ص ۹۲-۶.

عطائی، یحیی (۱۳۹۷). «ارزیابی و نقد کتاب علوم البلاغة عند العرب والفرس». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۱۴. شماره ۴. ص.ص ۱۸۹-۱۷۱.

قویمی، مهوش (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات، پیدایش، وظایف، اهداف و محدودیت. برگرفته از کتاب درباره تاریخ ادبیات. تهران: سمت.

کاردان، علی محمد (۱۳۸۲). «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن». سخن سمت. شماره ۱۰. ص.ص ۲۰-۱۳.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ معین. (ج ۲۶). تهران: آگاه.

نامداری، ابراهیمی (۱۳۹۶). «بررسی و نقد کتاب فی الأدب الأندلسی». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۱۷. شماره ۱. ص.ص ۲۴۱-۲۲۵.

نصر، احمدرضا، بتول و دیگران (۱۳۹۱). «تبیین معیارهای نگارشی و ساختاری تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی». نامه آموزش عالی. سال پنجم. شماره ۱۸. ص.ص ۶۶-۴۵.

نوروززاده، رضا و ندا رضایی (۱۳۸۸). «پیش‌بایست‌ها و الزامات کتاب درسی دانشگاهی». عیار. شماره ۲۳. ص.ص ۱۳۸-۱۱۷.